DOI: 10.22067/social.2023.78574.1230

مقالهٔ پژوهشی

تحلیل ژانر روایت‌های زنان دارای تعارض زناشویی از تجربهٔ مراجعه به مرکز مشاورهٔ خانوادگی[1]

ریحانه باطنی نوش‌آبادی (دانشجوی دکتری مطالعات زنان، گروه مطالعات زنان، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران)

bateni@urd.ac.ir

بهجت یزدخواستی (دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول)

b.yazdkasti@ltr.ui.ac.ir

احسان آقابابایی (استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

e.aqababaee@ltr.ui.ac.ir

مریم فاتحی زاده (استاد گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

m.fatehizade@edu.ui.ac.ir

چکیده

پدیدآمدن تعارضات در جهان مدرن امروزی، مؤلفه اجتناب‌ناپذیر زندگی زناشویی قلمداد می‌شود. درگذشته، زوجین، هنگام مواجهه با تعارضات زناشویی، از روش‌های کدخدامنشانه و ریش‌سفیدی بهره‌مند می‌شدند، اما امروزه مشاوره خانواده، جایگزین روش‌های پیشین شده است. امروزه در جامعه ایران، زنان زیادی درگیر تعارضات زناشویی به‌صورت خفیف یا مزمن هستند که برخلاف گذشته، به‌مثابه کنشگران فعال، هنگام بروز

[1] این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد ریحانه باطنی نوش‌آبادی در رشته مطالعات زنان در دانشگاه اصفهان با عنوان «تحلیل روایت تجربه زنان از مراجعه به یک مرکز مشاوره در اصفهان» است.

نشریهٔ علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیستم، شماره۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۴ صص ۵۹-۹۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸ تاریخ تصویب:۱۴۰۲/۰۳/۲۷

تعارضات برای چاره‌اندیشی و حل‌وفصل آن‌ها به مراکز مشاوره خانواده مراجعه می‌کنند؛ در غیر این صورت به دنبال راهی برای خروج از آن می‌گردند؛ بدین معنا که گروهی از زنان که مشکلات زندگی مشترک را به طور خفیف دریافت می‌کنند، با مهارت‌آموزی ادامه زندگی مشترک را میسر می‌دانند. در برابر، گروه دیگری که تعارضات زناشویی را مزمن ادراک می‌کنند و تلاش خود را برای ادامه زندگی مفید نمی‌دانند، پدیده طلاق را تجربه می‌کنند؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر، تحلیل روایت تجربه زنان دارای تعارض زناشویی از مراجعه به مرکز مشاوره خانوادگی بود. این پژوهش با بهره‌گیری از درمان مراجع‌محور راجرز، رویکرد خانواده‌درمانی فمینیستی چسلر، روایت‌درمانی وایت و اپستین و روش تحلیل روایت تیپولوژیک، در سال ۱۳۹۷ در یک مرکز مشاوره در اصفهان انجام شد. مشارکت‌کنندگان در تحقیق، ۱۷ نفر از زنان متأهل دارای تعارض زناشویی مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره بودند که با روش حداکثر تنوع انتخاب شدند و با آن‌ها مصاحبه روایی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد، تجربه اغلب زنان از مراجعه به مشاور در ژانر رمانس روایت شده است؛ ازاین‌قرار که زنان باتکیه‌بر توانمندی‌های خود به‌عنوان قهرمان زندگی، در جست‌وجوی راهکاری برای حل تعارضات زناشویی هستند و مراجعه به مرکز مشاوره را جزئی از این انگیزه درونی تلقی می‌کنند؛ خواه تلاش آن‌ها به حل مسئله منجر شود و خواه نگردد؛ بنابراین تجربه زنان از مراجعه به مراکز مشاوره، گامی در جهت حل تعارضات است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل روایت، تجربه، ژانر، زنانگی، مشاوره خانواده.

۱. مقدمه

تعارضات، عنصر جدایی‌ناپذیر زندگانی و پدیدآمدن مشکلات در زندگی زناشویی، امری اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌شود. زوجین پس از گذراندن دوران ابتدایی پر جذبه زندگی مشترک، با بروز مشکلات هنگام تصمیم‌گیری و همکاری، ممکن است دچار ناسازگاری شوند که به آن «تعارض» گفته می‌شود. تعارض را می‌توان توان‌فرساترین مسئله رابطه دانست که ازدواج را محدود می‌کند. افراد در روابطی سوای از رابطه با همسر، در صورت

بروز تعارض، با فاصله گرفتن برای مـدتی، تسـکین می‌یابنـد و از عنصـر زمـان بـرای حـل مشکلات بهره می‌برند، اما در ازدواج، زوجین به‌هم‌پیوسته هستند و این فاصله ممکـن اسـت زندگی مشترک آنان را تحت‌تأثیر قرار دهد (مارشال[1]، ۲۰۰۹، ص. ٦٣). تعارضات زناشویی[2] می‌توانند به‌صورت پیوستاری از تعارض خفیف تا کامل، طبقه‌بندی شوند.

تعارض زناشویی، در اثر ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیـاز و روش مرتفـع کـردن آن، طرح‌واره رفتاری، خودمحـوری، تفـاوت در خواسـته و رفتـار غیرمسـئولانه دربـارهٔ ارتبـاط زناشویی و ازدواج است (گلاسر[3]، ١٩٥٦، ص. ٣٦٨). تعارضات زناشویی، مخاطره‌ای جـدی برای حیات زناشویی به شمار می‌روند که به دلیل رنگ باختن حرمت میان زوجین، کیفیت و رضایت از زندگی را به چالش می‌کشد. در این هنگام، درصورتی‌که زوجین توانایی مدیریت صحیح این تعارضات را نداشته باشند، پیامدهای متعدد آن را تجربه خواهنـد کـرد. یکـی از مهم‌ترین این پیامدها، فروپاشی زندگی و طلاق است که در صورت حـل نشـدن چـالش یـا شدت‌گرفتن آن، بروز می‌یابد؛ بنابراین حل نشدن تعارضات خانوادگی، زنگ خطـری بـرای سلامت خانواده[4] محسوب می‌شود و اهمیت فراوان دارد. آمار طلاق رو بـه افـزایش اسـت و طبق گزارش آمار ثبت‌احوال ایران، در سه ماهه ابتدایی سال ١٤٠٠، ٨٤٦٦٢ طلـاق گـزارش شده است که از این میزان، در شهر اصفهان، میزان طلاق‌های ثبـت‌شـده ٢٤٣٩ مـورد اسـت (سایت آمار ثبت‌احوال ایران)[5].

عوامل و زمینه‌های تعارضات زناشویی را می‌توان انتظارات زناشویی مبتنی بـر جنسـیت، سابقه ازدواج، سطح تحصـیلات، محـیط جغرافیـایی، سـرمایه اجتمـاعی، مصـرف فرهنگـی، گرایش‌های مذهبی و وضعیت اقتصادی (جهانی دولت‌آباد، ١٣٩٦)، کاهش همکاری، کـاهش رابطه جنسی، جذب حمایت فرزند، رابطه فردی با خویشاوندان، کاهش رابطـه خـانوادگی و

1. Marsall
2. Marital Conflict
3. William Glassor
4. Family
5. www.sabteahval.ir

واکنش‌های هیجانی (صفایی راد و وارسته فر، ۱۳۹۰) دانست. در اصفهان، علل تعارضات زناشویی و طلاق را می‌توان مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت خانواده‌ها و بیماری روانی یکی از زوجین (زرگر و نشاط دوست، ۱۳۸۶) و تفاوت منزلت اجتماعی، رضایت زندگی زناشویی و تصور مثبت از پیامدهای طلاق (فاتحی دهاقانی و نظری، ۱۳۹۰) دانست که با مشاوره خانواده می‌توان تعارضات زناشویی را بررسی کرد.

رایزنی و مشاوره در تمام طول تاریخ وجود داشته است. مردم گرفتار مسائل و مشکلاتی می‌شدند و برای حل آن از ریش‌سفید و بزرگ خاندان و افرادی که دارای صلاحیت بودند، درخواست کمک می‌کردند. درحقیقت مشاوره در دوران کهن، به شکل امروزی وجود نداشته است و می‌توان دارای چهار ریشه تاریخی مهم دانست (احمدی، ۱۳۹۶، ص. ۸). دوره اول به زمان مردم ماقبل تاریخ بازمی‌گردد. در آن دوره مردم برای حل مشکلات خود از روش جادویی بهره می‌گرفتند. بیماری و اختلال در آن زمان، نوعی بدبختی بود که انسان را در بر می‌گرفت و علت طبیعی و درمان جادویی داشت (ناس، ۱۹۶۹، ص. ۵۴۱). روش درمان بعدی که بشر از آن سود می‌جست، مداوای مذهبی بود. این معالجه، شامل سه دوره می‌شود: در دوره اول، مذاهب بدوی نظیر بودائیسم و کنفوسیوس برای درمان بیماری‌ها از بت‌ها کمک می‌گرفتند؛ دوران دوم را مذاهب مبتنی بر اصول فلسفی تشکیل دادند که درمان را با رعایت اصول اخلاقی و روابط خانوادگی-اجتماعی ممکن می‌دانستند (جین و بوکر، ۱۹۳۵، ص. ٤٦)؛ درمان سومی که آدمیان استفاده می‌کردند، درمان فلسفی بود. فلاسفه‌ای چون سقراط، افلاطون و ارسطو با کمک روش‌های فلسفی خود، سعی در شناخت اشتباهات و خودشناسی داشتند و به پویایی‌های انسان برای حل مشکلات اهمیت می‌دادند (صدیق، ۱۳۵۱، ص. ۳۹).

سرانجام با ورود تکنولوژی‌ها و نیازمندی بشر به روش‌های اصولی برای درمان و رفع مشکلات، روش‌های علمی پدید آمدند. بروئر[1]، بنیان‌گذار روان‌درمانی، جسی دیویس،

1. Jozef Breuer

بنیانگذار مشاوره و فرانک پارسونز را پدر راهنمایی حرفه‌ای و مبدع مرکز هدایت حرف‌های جوانان می‌دانند که با روش علمی به دنبال تسکین آلام ستمدیدگان بودند (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۹٦، ص. ٢٦)؛ بدین ترتیب، مشاوره و راهنمایی در شهرها که انسان‌ها دچار مشکلات و سردرگمی‌های متنوع و دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی بودند، گسترش یافت.

مشاوره و راهنمایی در ایران، تاریخچه دیرین دارد. روان‌شناسی در ایران، ابتدا به‌صورت اخلاق علم‌النفس تدریس می‌شد. در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی، برای اولین‌بار فعالیت منظم راهنمایی مبتنی بر نقشه پی‌ریزی شد. سپس با تأسیس دارالمعلمین و دانشگاه تهران، به‌صورت یکی از علوم جدید مطرح شد. پس از آن در سال ۱۳۳٤ هجری شمسی، دایره تحقیقات روان‌شناسی در وزارت آموزش‌وپرورش پدید آمد (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۹). پیشتازان روان‌شناسی در ایران را می‌توان علی‌اکبر سیاسی (بنیان‌گذار دانشگاه تهران) و محمدباقر هوشیار دانست. در دهه ۱۳٤۰ هجری شمسی، برای اولین‌بار، محمود صناعی لیسانس و فوق‌لیسانس رشته روان‌شناسی را در دانشگاه تهران و مؤسسه روان‌شناسی تأسیس کرد. سعید شاملو، بنیان‌گذار روان‌شناسی بالینی در ایران و مؤسس اولین کلینیک روان‌شناسی و مرکز مشاوره در دانشگاه تهران بود. همچنین در سال ۱۳٤۸ هجری شمسی، اولین دانشجویان رشته مشاوره و راهنمایی در مقطع کارشناسی‌ارشد فارغ‌التحصیل شدند و بدین صورت رشته روان‌شناسی و مشاوره، حیات برجسته خود را استمرار بخشید (میگنا، ۱۳۹۷).

مرکز مشاوره خانواده، در جهت حل تعارضات دارای نقشی بی‌بدیل است. امروزه با وجود تغییرات اجتماعی[1] در جامعه و تغییر سبک زندگی[2]، بسیاری از خانواده‌ها، با چالش‌های متعددی مواجه می‌شوند که اگر در اسرع‌وقت حل نشوند، می‌توانند به بحران[3] تبدیل شوند و بنیان خانواده را متزلزل کنند. اعضای خانواده برای برطرف کردن اختلافات خانوادگی به مرکز مشاوره خانواده مراجعه می‌کنند؛ چراکه برخی مسائل بیش از سایر موارد

1. Social change
2. Life style
3. Crisis

پیچیده است و بدون کمک مشاور به‌سادگی حل‌وفصل نمی‌شود. یکی از این مسائل، تعارضات زناشویی است. مراکز مشاوره خانواده با بهره‌مندی از وجود روان‌شناسان و مشاوران باتجربه، با درنظرداشتن اعضای خانواده، گامی مؤثر برای برطرف‌کردن مسائل و مشکلات برمی‌دارند (زهراکار و جعفری، ۱۳۹۹، ص. ۲۳).

در روند مشاوره، زوجین راه‌حل‌های مؤثر برای حل تعارضات و زندگی با دغدغه‌های کمتر را می‌آموزند؛ سعی در یادگیری برخورد صحیح هنگام مواجهه با مشکلات دارند و برای انسجام خانواده تلاش می‌کنند. زن و شوهر رکن اساسی خانواده هستند؛ بنابراین در روند زوج‌درمانی[1]، هر دوی آنان مدنظر قرار می‌گیرند. ازآنجاکه رشته مطالعات زنان[2] با حساسیت‌های جنسیتی به مسائل زنان می‌پردازد و آنان مراجعه بیشتری نزد مشاور دارند، در این پژوهش نیز زنان بررسی شدند.

در جامعه ما، زنان زیادی درگیر تعارضات زناشویی به‌صورت خفیف یا مزمن هستند. زنان به‌مثابه کنشگری فعال، در زمان بروز کشمکش‌ها به جست‌وجوی راه‌حلی برای چاره‌اندیشی هستند و در این راستا به مشاوره روی می‌آورند؛ خواه تلاش آن‌ها به حل مسئله منجر شود و خواه نشود. گروهی از زنان که مشکلات زندگی مشترک را به طور خفیف دریافت می‌کنند، با مهارت‌آموزی ادامه زندگی مشترک را میسر می‌دانند. در برابر، گروه دیگری که تعارضات زناشویی را مزمن ادراک می‌کنند و تلاش خود را برای ادامه زندگی مفید نمی‌دانند، پدیده طلاق را نیز تجربه می‌کنند. طلاق یک واقعه نیست که در زمانی خاص روی دهد؛ بلکه فرایندی است که قبل و بعد از طلاق را شامل می‌شود و این تصمیم فردی متأثر از بسترهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد درگیر با آن است؛ بنابراین فرهنگ مراجعه خانواده‌ها به مراکز مشاوره خانواده هنگام بروز اختلافات باید رواج یابد (غفاری و صیدی، ۱٤۰۰).

1. Couples therapy
2. Field of Women's Studies

نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که مراجعه زنان به مراکز مشاوره برای دریافت درمان‌های روان‌شناختی نظیر لوگوتراپی و گشتالت‌درمانی (عطاری و همکاران، ۱۳۸۵) می‌تواند با کاهش معنادار افسردگی، اضطراب و پرخاشگری موجب تصمیم‌گیری مؤثرتر زنان راجع به جدایی یا ادامه زندگی مشترک شود. همچنین طبق بررسی‌ها، به‌دلیل شکسته شدن قبح طلاق، وجود بسیاری از مشکلات ناشی از تمایل نداشتن جامعه برای حل تعارضات و مراجعه به متخصصان روانشناس و ارجاع به روانشناس در مرحله آخر بحران تعارضات، تمایل زوجین به طلاق توافقی، آگاهی نداشتن از مهارت‌های زندگی، وجود اختلالات روان‌پزشکی، مشکلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، کمبود آموزش‌های قبل، حین و بعد ازدواج موجب شده است که مشاوره چندان موفقیت‌آمیز نبوده و اثربخشی آن بر سازش چشمگیر نباشد.آمار سازش در سال ۱۳۹٤، ۳٤/۱٦ درصد و در سال ۱۳۹۷، ٤٤/۱۰ درصد بود که خود حکایت از موضوع دارد؛ بنابراین لازم است قبل از ازدواج تدابیرآموزشی اندیشیده شود تا از طلاق پیشگیری شود (وطن‌دوست و حسین‌زاده، ۱۳۹۸).

علت انتخاب شهر اصفهان، در دسترس بودن و گزینش یک مرکز مشاوره خاص در این شهر، وجود میدان مشخص تحقیق، داشتن اعتبار، تخصص در زمینه خانواده، تمایل به همکاری و تعداد مراجعان زیاد بود که به روش هدفمند انتخاب شدند. ملاک‌های ورود مشارکت‌کنندگان به این پژوهش، زن بودن، رضایت اولیه، تأهل، سپری شدن حداقل سه ماه از ازدواج، داشتن سن ۲۰ تا ٤۵ سال و اقدام به مرکز مشاوره برای دریافت مشاوره خانواده بود.

این موضوع که زنان تجربه خود از تعارضات زناشویی را طی مشاوره خانوادگی چگونه توصیف می‌کنند، موضوع درخورتوجهی است که با روش تحلیل روایت تیپولوژیک و با کمک درمان مراجع‌محور راجرز، رویکرد خانواده‌درمانی فمینیستی چسلر، روایت‌درمانی وایت و اپستین در پژوهش حاضر به آن پرداخته شد. انتظار می‌رود نتایج این تحقیق، ضرورت و اهمیت ملاحظه تعارضات زناشویی از دیدگاه زنان را تبیین کرده؛ به برطرف‌شدن

آن در روند مشاوره کمک کند و باعث ارتقای سطح سلامت خانواده و جامعه شود؛ بنـابراین سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است کـه روایـت زنـان دارای تعـارض زناشـویی از تجربـه مراجعه به مرکز مشاوره خانوادگی چیست؟

۲. مبانی نظری تحقیق

مبانی نظری تحقیق در ادامه به‌صورت بررسی پیشینه پژوهشی و چارچوب نظری تحقیق ارائه می‌شود.

۲. ۱. پیشینه تحقیق

بررسی پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که بیشتر آن‌هـا بـه درمان‌هـای روان‌شناسـی و تدوین مدل‌های مربوط پرداخته‌اند. رسولی (۱۳۹۵) در پژوهش «تدوین مدل بـومی کـارکرد خانواده براساس مؤلفه‌های امید، صمیمیت و تعارض زناشویی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه»، با روش توصیفی و همبستگی، ۲۵۰ زن را از میان زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شـهر کرمانشـاه بررسـی کـرد. وی معتقـد اسـت، تعارضـات زناشـویی بـا میانجیگری متغیرهای امید و صمیمیت می‌تواند کارکرد خانواده را پیش‌بینی کند. خاکسـار و فاتحی‌زاده (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر آمـوزش واقعیـت‌درمـانی بـر صـمیمیت زناشویی در زنان دارای تعارض زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره اصفهان»، ۳۰ نفر از زنان را به روش دردسترس در یکی از مراکز مشاوره در شهر اصفهان ارزیـابی کردنـد. آنـان دریافتند که واقعیت‌درمانی به‌عنوان یک مداخله مؤثر، به افزایش و بهبود صـمیمیت عـاطفی، جنسی، عقلانی، روان‌شناختی، زیبایی‌شناختی، بدنی، جنسی، اجتماعی-تفریحـی زنـان دارای تعارض زناشویی منجر شده و بر صمیمیت معنوی تأثیر نداشته است. علـی‌احمـدی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «گونه‌شناسی خانواده‌های تهرانی از منظر خطرپذیری طلاق» نشان داد با ثابت نگهداشتن متغیر قشر اجتمـاعی و کنتـرل آن، بـین متغیرهـای میـزان تهدیـدهای خانواده و خطر طلاق، همبسـتگی ضـعیفی وجـود دارد. همچنـین وی بـا تحلیـل خوشـه‌ای

سلسله‌مراتبی، پنج گونه اصلی خانواده با کمک متغیر شدت خطر طلاق، تهدیدشدن خانواده و قشر اجتماعی را معرفی کرد: خانواده‌های مستحکم قشر متوسط و کم‌تهدید، خانواده‌های مستحکم قشر سطح بالا با تهدیدهای زیاد، خانواده‌های قشر متوسط غیرمستحکم با تهدید شدن متوسط، خانواده‌های قشر متوسط غیرمستحکم پرتهدید و خانواده‌های قشر سطح پایین غیرمستحکم و تهدید بالا. مرادی و صادقی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی خانواده‌درمانی شناختی-رفتاری بر کنترل خشم و کاهش تعارض زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره کلانتری: مطالعه تک آزمودنی» به این نتیجه دست‌یافتند که خانواده‌درمانی شناختی-رفتاری بر کنترل خشم و نیز کاهش تعارضات زناشویی مؤثر است. دارنجانی شیرازی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «مقایسه گونه‌شناسی خانواده در مدل فرایند و محتوا در خانواده‌های با تاب‌آوری بالا و پایین» چهار نوع خانواده سالم، ناسالم، محتوا مشکل و فرایند مشکل را با کمک متغیرهای تاب‌آوری، محتوا، فرآیند، شغل و تحصیلات، زمان باهم بودن، منابع مالی، ظاهر بدنی و منزلت احتماعی، فضای زندگی، تسهیلات زندگی، تصمیم‌گیری و حل مسئله، سلامت جسمی و روانی، مهارت مقابله، انسجام و احترام متقابل، مهارت ارتباطی و باور مذهبی معرفی کردند.

در پژوهش‌های خارجی، بیشتر به عوامل پیشگیرانه تعارضات زناشویی پرداخته شده است. مارک‌من[1] و همکاران (۱۹۹۳) در پژوهشی با عنوان «پیشگیری از تعارضات زناشویی از طریق آموزش ارتباطات و مدیریت تعارض: پیگیری چهار و پنج‌ساله» به این نتیجه دست یافتند که در صورت آموزش همسران، خشونت، تعارض و مهارت منفی ارتباطی کمتر و مهارت‌های مثبت ارتباطی بیشتر خواهد بود. نتایج پژوهش لمبرت و دولاهیت[2] (۲۰۰٦) با عنوان «چگونه دین‌داری به زوجین کمک می‌کند از تعارضات زناشویی جلوگیری، برطرف و بر آن‌ها غلبه کنند؟» نشان می‌دهد که داشتن باورهای مذهبی و دین‌داری باعث حل تعارض

1. Markman
2. Lambert & Dollahite

زناشویی، بهبود رابطه زوجین و جلوگیری از بروز اختلافات می‌شود. نتایج پژوهش ویسیانینگرام[1] و همکاران (۲۰۲۰) با عنوان «بررسی سیستماتیک تعارضات زناشویی در طول بیماری همه‌گیر کوید-۱۹» حاکی از آن است که وجود تعارض زناشویی باعث افزایش خشونت خانگی و تعارض کار-خانواده شده؛ صمیمیت را کاهش داده و تعارضات در اثنای کووید – ۱۹ افزایش داشته است (ویسیانینگرام و همکاران، ۲۰۲۰).

بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اغلب پژوهشگران با رویکرد کمی به موضوع حاضر پرداخته‌اند؛ همچنین مطالعات با محوریت زنان یا بدون حساسیت جنسیتی انجام گرفته‌اند؛ بنابراین تحلیل ژانر[2] تجربه زنان از مراجعه به مشاوره خانوادگی از چشم‌انداز آنان، پژوهشی نسبتاً کم‌سابقه بوده که کمتر به آن پرداخته شده است.

۲. ۲. چارچوب نظری تحقیق

درباره مشاوره خانواده، گستره متنوعی از نظریه‌های مشاوره و روان‌شناسی وجود دارد. در این پژوهش، درمان مراجع‌محور راجرز، رویکرد خانواده‌درمانی فمینیستی چسلر، روایت‌درمانی وایت و اپستین مدنظر هستند که به‌مرور آن‌ها می‌پردازیم.

درمان مراجع‌محور[3] کارل راجرز[4]: کارل راجرز، روش درمانی مراجع‌محور را پیشنهاد کرده است. در این رویکرد، مراجع به‌عنوان یک انسان اجتماعی، منطقی و سازنده در نظر گرفته شده و بر تفاهم، احترام و توجه بی‌قیدوشرط تأکید می‌شود. همچنین مشاور در تلاش است که مراجع به‌عنوان یک متخصص، ضمن آزادی در بیان احساسات خود بتواند فعالانه مسائل را حل کند؛ برای خود تصمیم بگیرد و مسئولیت آن را بپذیرد. به‌علاوه، این درمان به مصاحبه به‌عنوان پل ارتباط تشخیص و درمان توجه خاصی می‌کند (شفیع آبادی، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۷).

1. Wisyaningrum
2. Genre
3. Client-center therapy
4. Carl Ragers

رویکرد خانواده‌درمانی فمینیستی[1] چسلر[2]: ایـن رویکـرد، دیـدگاه پسـت‌مدرنی[3] قلمـداد می‌شود که در سال ۱۹۷۲ پی‌ریزی شد. هـدف خانواده‌درمـانی فمینیسـتی، اتکـای زنـان بـه شخص خود و آگاهی از حقوق سیاسی-اجتماعی‌شان است. چشم‌انداز حاضـر بـه جنسـیت حساس بوده و در تلاش است تا بر نقش‌های قالبی جنسیتی فائق آید؛ بنابراین به تفاوت‌های فرهنگی و زیستی زنان و مردان توجه ویژه دارد. روش‌های درمانی که ایـن رویکـرد مـدنظر دارد، مشتمل بر تلفیق خصوصیات مردانه با زنانه، ایجاد روابط برابر، شناسایی بازدارنده‌های شایستگی زنان، آموزش ابزار وجود و تحلیل قدرت و ارزیابی مثبت زنان و توجه بـه رابطـه احساس و رفتار است (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۵، ص. ۳۰۷).

روایت‌درمانی[4] مایکل وایت[5] و دیوید اپستین[6]: این رویکرد پسـت‌مدرن بـا رویکردهـای سنتی در تضاد است؛ از این بابت که بر تجربیات شخصی کـه افـراد در روایـت خـود بیـان می‌کنند، عاری از قضاوت توجه می‌کند (پین، ۲۰۰٦، ص. ۸۰). وایت و اپستین با تأکیـد بـر روایت مشکل‌دار، به اهمیت زبان تأکید دارد. ایـن رویکـرد، خـانواده سـالم را در آزادی در ایفای نقش و بازسازی روایت‌های غنی تلقی کرده و بـا اعضـای خـانواده از طریـق روایـت گذشته، حال و آینده آشنا می‌شود. فنونی که در این درمان مدنظر قرار گرفته‌اند، ایجاد زمینه گفتگو، بیرونی کردن مشـکل، درونـی کـردن سـؤالات، نامه‌نویسـی، قرارگـرفتن مشـاور در موقعیت ندانستن، در نظر داشتن بسترهای اجتماعی-سیاسی و تجربه منحصربه‌فرد مراجعـان است (زهراکار و جعفری، ۱۳۹۹، ص. ۳۸٤).

در تحقیقات کیفی، بهره‌گیری از مبانی نظری، مشابه با پارادایم پوزیتیویستی نیست، اما در این پژوهش از پارادایم تفسیری- برساختی بهره گرفته‌ایم. چهارچوب مفهومی این پژوهش،

---

1. Feminist Family Therapy
2. Chesler
3. Postmodern approach
4. Narrative therapy
5. Michael White
6. David Epstein

بر مفاهیم تجربه، ابراز وجود، مسئولیت و روایت تأکید ورزیده و با الهام از نظریه مراجع‌محور راجرز، رویکرد خانواده‌درمانی فمینیستی چسلر و روایت‌درمانی وایت و اپستین انجام شده است. قصد داریم در مقاله حاضر، تجربه زنان دارای تعارض زناشویی را در طی مراجعه به مشاوره خانوادگی را روایت کنیم.

۳. روش تحقیق

روش به‌کاررفته در پژوهش حاضر، تحلیل روایت تیپولوژیک[1] است. روایت در هر عصری، در هر مکانی، در هر جامعه‌ای وجود دارد و با تاریخ بشریت شروع می‌شود. درحقیقت، مردمی وجود ندارند که بدون روایت بوده باشند؛ همه طبقات و همه گروه‌های انسانی، دارای روایت بوده‌اند. روایت‌ها، فراتاریخی، بین‌المللی و فرافرهنگی هستند و از این حیث اهمیت دارند (فرانزوسی، ۲۰۱۰، ص. ۱۷٦).

تحلیل روایت را تجربه روایت‌های فرد به‌صورت حکایت می‌دانند که پژوهشگر طی مصاحبه با مشارکت‌کنندگان، داده‌هایی راجع به زندگی آنان کسب می‌کند (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۳). این تحلیل دیدگاهی کل‌گرایانه دارد که داستان را برساخت شخصی فرد از تجربه زندگی می‌داند. یکی از انواع روش‌های تحلیل روایت، تحلیل تیپولوژیک یا ژانر است.

ژانر، مدل زبانی و فردی است که با بسترهای اجتماعی-فرهنگی ارتباط دارد و این موضوع باعث تمرکز بر ذهن مخاطب (کلیشه‌های فرهنگی-جنسیتی، تحصیلات، علائق) در زمینه خاص فرهنگی می‌شود. نخستین مؤلفه مؤثر را می‌توان عامل زیستی-روانی برشمرد که شامل ازدواج اجباری، دلبستگی به خانواده اصلی و دخالت آنان، اختلاف نگرش بر سر نقش‌های جنسیتی، نارضایتی از روابط جنسی و عاطفی و سوء ظن و بدبینی منجر به نارضایتی زناشویی و روابط فرازناشویی است. مؤلفه مؤثر دیگر را می‌توان ارزش‌ها و

1.Ttypology

نگرش‌های ایرانیان در گذار از سنت به مدرنیته برشمرد (رضایی بحرآباد و همکاران، ۱۳۹۸). پیامد این موضوع شامل ارزش‌های سنتی و افول ارزش‌های سنتی، رابطه فرازناشویی، کلیشه‌های جنسیتی، مفهوم‌سازی نوین از عشق، ارزش‌های فردی، ویژگی‌های شخصیتی، احساس ناامنی، مداخله‌گری رسانه‌ای و بازتاب آن در ژانرهای مختلف روایت‌ها است (کنعانی و علیجانی، ۱٤۰۰).

بستر فردی را می‌توان شرایط و بسترهای فردی، مجموعه ویژگی‌ها و رفتارها و نگرش‌های فرد دانست که تقویت‌کننده شکل‌گیری رابطه فرازناشویی بوده‌اند و سبب شده‌اند تا به بخش جدایی‌ناپذیری از زیست‌جهان افراد تبدیل شوند؛ نظیر رضایت‌مندی جنسی، تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی، معاشرت عاطفی و جنسی پیش از ازدواج و روابط فرازناشویی و ابزار حل مسئله. بستر اجتماعی سنتی نیز دربردارنده مؤلفه‌های بار پدرسالارانه رسوم مرتبط با ازدواج و روابط فرازناشویی و نقش‌های جنسیتی است و بستر اجتماعی مدرن شامل امکانات تکنولوژیک (فیلم‌های پورن و شبکه‌های اجتماعی)، خیانت با رابطه موازی، احساس ناامنی، افول ارزش‌ها است (کنعانی و علیجانی، ۱٤۰۰). این محور می‌تواند در ژانرهای رمانس و تراژیک تجلی یابد.

واکاوی مسائل زندگی زنان به عنوان یکی از پیامدهای نام‌برده به مؤلفه‌هایی وابسته است که در ترسیم چهرهٔ زنان سنتی و مدرن به کار می‌رود. زنان سنتی، مظلوم و بی‌پناه‌اند و اغلب در محدوده خانه با تن‌دادن به ازدواج اجباری، به انجام نقش‌های جنسیتی و حفظ ثبات خانوادگی در سکوت و انفعال می‌پردازند. درمقابل، زنان مدرن، بیشتر وقت خود را صرف فعالیت‌های اقتصادی در بیرون از خانه می‌کنند؛ از استقلال مادی و وجههٔ اجتماعی بیشتری در مقایسه با زنان سنتی برخوردار هستند و خود را به رعایت سنن و شرایط تحمیل‌شده از سوی دیگران ملزم نمی‌دانند (عظیمی و صادقی، ۱٤۰۰). الگوهای تغییر در زنان مبتنی بر تجارب زیسته و احوالات شخصی است.

در حیطه کلیشه‌های جنسیتی، هرچه رویکرد نوگرایانه و لیبرالی برجسته‌تر می‌شود، تمایل به کلیشه‌های جنسیتی ضعیف‌تر و خفیف‌تر می‌شود. این الگوی نهایی را هم می‌توان در مؤلفه‌های دین‌داری و متغیرهای نقش‌های جنسیتی و هم در متغیرهای جمعیت‌شناختی مشاهده کرد؛ یعنی متغیرهایی همچون سن، جنس، محل سکونت، وضعیت تأهل و سطح تحصیلات نیز بدین شکل عناصر تعیین‌کنندهٔ کلیشه‌های جنسیتی محسوب می‌شوند که نگرش‌های نوگرایانه و لیبرالی به طور معمول و نه همیشه بین افراد سنین کمتر بیش از بزرگسالان، بین مجردان بیش از متأهلان، بین شهرنشینان بیش از روستاییان و بین افراد دارای تحصیلات عالی بیش از بی‌سوادان یا کم‌سوادان، برجسته و غالب است. همچنین پدیده‌هایی همچون نوگرایی، تغییرات اجتماعی، فردگرایی و تغییرات بنیادین در نظام ارزش‌های جامعه پیامدهایی را به همراه دارند (فروتن، ۱۳۹۹). محورمذکور نیز می‌تواند در ژانر قهرمانانه و حماسی بروز و ظهور یابد.

زمینه اصلی روش تیپولوژیک در انواع ژانر ادبی اکتشاف می‌شود. مفهوم ژانر[1] برگرفته از کلمه‌ای فرانسوی به معنای «نوع» و «دسته» است (جعفری جلوه، ۱۳۹۳)؛ به‌ویژه این مفهوم نقش مهمی در طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری ادبیات ایفا کرده بود (برکت، ۱۳۹۱). در بررسی‌های ادبی، اصطلاح ژانر به اشکال مختلف به کار می‌رود تا به تمایزهای میان انواع متن اشاره کند: نوع نمایشی (حماسی)، نوع رابطه با واقعیت (داستانی/غیرداستانی)، نوع پی رنگ (کمدی/ تراژدی) و ماهیت محتوا (آزادیان، ۱۳۹۳).

ژانر افق فکری تجربه برای خواننده و مدل نوشتن برای نویسنده است. ژانر می‌تواند نشان‌دهنده حساسیت‌های مختلف در درون سنت‌های ژانری با دیدگاه خاص نویسنده باشد. ژانر، جنسیت، نژاد، رویکرد جنسی و طبقه را به تصویر می‌کشد. به عقیده ریک التمن[2]، ژانر یا همان گونه‌های ادبی از میان تمام مفاهیم بنیادی در نظریه‌های ادبی، دارای تباری طولانی‌تر و برجسته‌تر

1. Genus
2. Rick Altman

است (التمن، ۱۹۸۷، ص. ۱۴). زمانی که از ژانر صحبت می‌شود، باید بـه دو نکتـه اصـلی توجـه شود: از یک سو، بسیاری از ژانرها دارای زیرمجموعه[1] هستند؛ مثلاً ژانر رمانس. همهٔ آثـاری کـه در ژانر عاشقانه خلق می‌شوند، از یک جنس نیستند. عاشقانه‌های تاریخی، عاشقانه‌های جنسـی و عاشقانه‌های جنایی، تنها نمونه‌هایی از ژانرهای زیرمجموعهٔ ژانر عاشـقانه هسـتند. از دیگـر سـو، ژانرها تقسیم‌بندی‌های مطلق و قطعی نیستند.

بنـابراین هـیچ نـوع دسـته‌بنـدی شـفاف و مشخصـی درمـورد ژانرهـا وجـود نـدارد کـه همـهٔ صاحب‌نظران بر آن اتفاق‌نظر داشته باشند؛ بااین‌حال، برخی از ژانرها بیشتر جاافتاده‌اند و تصـویر نسبتاً شفافی از آن‌ها در ذهن مردم و منتقدان شکل گرفته است. با وجودی که دسته‌بندی قطعـی دربارهٔ انواع ژانر وجود ندارد، به تعدادی از ژانرهای موجود اشاره می‌شود: گوتیک[2]، رمـانس[3]، تراژدی[4]، قهرمانانه[5]، حماسی[6]، کمدی[7] و هزل[8] که در پژوهش حاضـر چهـار ژانـر به‌دسـت‌آمده است:

ژانر رمانس، دارای مضمون عاشقانه و عامه‌پسند و بر مبنای روایت قهرمان در مبـارزه بـا چالش‌های گوناگون است و پیروزی نهایی وی را در برمی‌گیرد. تـراژدی، ژانـری اسـت کـه حاکی از شکست قهرمان در برابر نیروهای مختلف و طرد او در پایان است. ژانر قهرمانانه بر پایه ویژگی خودمختاری و رفتارهای شخصیت اصلی داستان است که به پیروزی وی منجـر می‌شود. ژانر حماسی نیز به بیان رخدادهای متفـاوت راجـع بـه شخصـیت قهرمـان روایـت می‌پردازد (لیبلیچ و همکاران، ۱۹۹۸، ص. ۷۹).

1. Sub-genre
2. Githic
3. Romance
4 .Tragedy
5. Superhero
6 .Epic
7. Comedy
8 .Satire

جدول ۱. مشخصات و نمونه تحلیل تیپولوژیک

انواع ژانر (تحلیل تیپولوژیک)	مشخصات	نمونه
رمانس	ژانر رمانس، داستان قهرمان روایت می‌کند. قهرمان با مجموعه‌ای از چالش‌ها مواجه شده، به نزاع درونی دچار می‌شود و در حال تلاش است. او سعی در حل مسائل دارد و گاهی شکست می‌خورد، اما درنهایت با موفقیت به هدف خود دست می‌یابد و دارای فرجامی نیکو است. این ژانر درحقیقت واکنشی احساسی در برابر خردگرایی را نشان می‌دهد و دارای مضمون عاشقانه، عامه‌پسند و رمانتیک است. مرکزیت روایت نیز درباره روابط یا احساسات عاشقانه میان شخصیت‌های اصلی داستان است. رمانس دو ویژگی بارز دارد: مشخصه اول رمانس، رشادت و رفتار سلحشورانه اغراق‌آمیز است و مشخصه دوم آن، عشق افراطی است که دستاویزی است تا اعمال خارق‌العاده قهرمانان داستان علت و محمل وجودی پیدا کند.	مصاحبه‌شونده سیزدهم، روایت خود را در ژانر رمانس بیان کرد. حدیثه هنگام مواجهه با تعارضات زناشویی، سعی بر حل آنان دارد. وی به مدت کوتاهی، درگیر رابطه فرازناشویی شده و دچار نزاع درونی و احساس پشیمانی می‌شود. در این گذرگاه، از کمک مشاور نیز بهره‌مند می‌شود. با نهایت تلاش خود، شروع به حل مسائل کرده است و با استقامت توانسته بر مشکلات فائق آید. تجربه وی از مشاوره تجربه‌ای تسهیلگر در راستای حل مسئله بوده است.
تراژدی	ژانر تراژدی را روایتی غم‌انگیز یا غم‌نامه‌ای از شخصیت تراژیک می‌خوانند. قهرمان روایت از نیروهای شروری که کنترل‌نشدنی هستند، شکست می‌خورد و توسط جامعه نیز طرد می‌شود. این قهرمان درگذشته از اشراف و بزرگانی انتخاب می‌شده است که دارای ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی خاصی بوده‌اند، اما در تراژدی‌های امروزی ممکن است فردی از رده‌های پایین اجتماعی با ویژگی‌های نه چندان مقبول اخلاقی باشد. در هر صورت این قهرمان دارای «نقطه‌ضعف تراژیک» است که به بروز یک اشتباه منجر می‌شود و این اشتباه عامل سقوط و نزول	محبوبه، ژانر روایت خود را تراژدی برگزید. مشارکت‌کننده ششم هنگام مواجهه با تعارضات زناشویی، سعی در حل آن‌ها دارد، اما از آنجا که برای فرار از منزل پدری، به اصرار خود ازدواج کرده است، از طرف خانواده و سپس جامعه طرد شده است و خود را شکست‌خورده می‌داند. او از نیروهای متعددی که باعث بروز مشکلات شده‌اند، مغلوب شده است. همچنین محبوبه زمانی به مشاوره مراجعه کرد که مشکلات بغرنج شد و حل آن‌ها بسیار دشوار بود، بنابراین وی روند

انواع ژانر (تحلیل تیپولوژیک)	مشخصات	نمونه
	اوست؛ سیری که اغلب به مرگ قهرمان می‌انجامد. ویژگی اصلی این روایت را در پایان ناخوشایند و نمایش شوربختی‌ها می‌توان دانست.	مشاوره کاملاً مطلوب تلقی نمی‌کند.
قهرمانانه	ژانر قهرمانانه به ویژگی‌های خودمختاری، فردیت و خوداتکایی قهرمان داستان تأکید می‌ورزد. قهرمان روایت، فردی مثبت تلقی شده و با تمرکز بر کسب توانمندی به پیروزی نائل می‌شود.	مصاحبه‌شونده شانزدهم برای بازگو کردن روایت خود از ژانر قهرمانانه استفاده کرد. مریم به‌مثابه یک قهرمان، در برابر مشکلات ایستادگی می‌کند و با اتکا به فردیت خود، سعی بر حل آن‌ها دارد. او بدون توجه به همکاری همسر، روند مشاوره را آغاز و ادامه داده و سپس سکان‌دار زندگی خود شده است؛ بدین صورت توانسته است ضمن رشد فردی به هدف خود که پیروزی بر مشکلات و حفظ زندگی مشترک خود است، دست یابد.
حماسی	این ژانر، وقوع پدیده‌های و رویدادهای قهرمانانه راجع به شخصیت اسطوره‌ای داستان با تکیه بر شجاعت وی را بیان می‌کند. قهرمان که به بوته آزمایش گذاشته می‌شود، با نیروهای شرور مبارزه می‌کند و بر آنان غلبه می‌یابد و دارای طبیعتی بلندپروازانه است. آنچه در بحران‌های زندگی، موفقیت قهرمانانه محسوب شود، صفت والای اخلاقی و انسانی است.	مشارکت‌کننده چهاردهم تجربه خود را در ژانر حماسی بیان کرد. زهرا در زندگی مشترک خود دچار تعارضات زناشویی بسیاری می‌شود. وی همچون یک اسطوره، با چالش‌ها مبارزه می‌کند؛ از مشاور کمک می‌گیرد و در برخی از زمینه‌ها، پیروز و در برخی شکست می‌خورد، اما نتیجه نهایی تلاش‌های او با کمک‌های مشاور، پیروزی و ادامه زندگی مشترک وی است؛ بنابراین زهرا برای بازگو کردن روایت خود از ژانر رمانس بهره برده است.

در این پژوهش نیز براساس تجربه زنان دارای تعارضات زناشویی از مراجعه به یک مرکز مشاوره، به تحلیل تیپولوژیک روایت آنان پرداخته خواهد شد. میدان پژوهش، مرکز مشاوره راستی در شهر اصفهان بود. روش انتخاب مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، براساس حداکثر تنوع انتخاب بود. این روش به بررسی افراد متفاوت با خصوصیات مختلف می‌پردازد که به در نظر گرفتن تمام عوامل مؤثر در پدیده منجر می‌شود (تریسی، ١٣٩٤، ص. ٢٨٧). اطلاعات بایسته برای دستیابی به هدف مقاله از طریق مصاحبه روایی گردآوری شد؛ بدین ترتیب که با ورود به میدان، زنان دارای تعارض زناشویی شناسایی شدند و با آن‌ها و مصاحبه شد.

ازآنجاکه تحلیل روایت مانند بسیاری از روش‌های کیفی رویکرد تعمیمی ندارد و درصدد درک عمیق پدیده مدنظر است، انتخاب مشارکت‌کنندگان در این روش، براساس شناخت، قضاوتی و تعمدی است؛ بنابراین انتخاب مشارکت‌کنندگان در روش تحلیل روایت، وامدار پژوهشگر است که می‌تواند از یک روایت یا خوشه روایت شکل بگیرد. درحقیقت، این امکان وجود دارد که پژوهشگر درصدد واکاوی روایت حاصل از تجربه یک فرد باشد و توقف انتخاب مشارکت‌کنندگان در همان وهله حاصل شود (خنیفر و مسلمی، ١٣٩٨، ص. ١٦٧).

به رغم اینکه بسیاری از مطالعات روایتی تنها یک فرد را مطالعه می‌کنند، اما ممکن است در یک پژوهش چندین نفر (اغلب چهار تا شش نفر که با توجه به ماهیت پژوهش می‌تواند بیشتر از شش نفر نیز باشد) مطالعه شوند. تعداد مشارکت‌کنندگان در پژوهش روایتی با توجه به عنوان پژوهش متنوع است و درواقع تعداد مشارکت‌کننده‌ها، نگرانی عمده پژوهشگر روایتی نیست؛ چراکه در این روش محقق به دنبال درک تغییر فرایند ساخت معنا در روایت زندگی مشارکت‌کنندگان است (ابوالمعالی الحسینی، ١٣٩٩، ص. ٢٧).

با توجه به معیارهای سن، درگیری با انواع متعدد تعارضات زناشویی، زمان دسترسی به مشاوره خانواده و هدف پژوهش، تعداد مشارکت‌کننده‌ها در مقاله حاضر نیز ۱۷ نفر از زنان دارای تعارض مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره راستی در سال ۱۴۰۰ بودند که به‌صورت

هدفمند انتخاب شدند. علت انتخاب ۱۷ نفر، اطمینان از رسیدن به حد اشباع در پژوهش و در نظر گرفتن حداکثر تنوع مشارکت‌کنندگان بود. همچنین سعی شد ضمن حقیقت‌نمایی، با بیان صحبت‌های مشارکت‌کنندگان، باورپذیر بودن رعایت شود تا کیفیت پژوهش کیفی خدشه‌دار نشود.

علت انتخاب یک مرکز مشاوره خاص در شهر اصفهان، وجود میدان مشخص تحقیق، داشتن اعتبار، تخصص در زمینه خانواده، تمایل به همکاری و تعداد مراجعان زیاد بود؛ چراکه در دوران شیوع بیماری کرونا، تعداد مراجعان نسبتاً کاهش چشمگیری داشت. ملاک‌های ورود مشارکت‌کنندگان به این پژوهش، زن بودن، رضایت اولیه، تأهل، سپری شدن حداقل سه ماه از ازدواج، داشتن سن ۲۰ تا ٤٥ سال و اقدام به مرکز مشاوره جهت دریافت مشاوره خانواده بود.

در روش تحلیل روایت، اعتبار تحقیق به قدرت تحلیل داده‌ها، اعتمادپذیری و سهولت دسترسی مربوط می‌شود (پولکینگروم، ۱۹۸۸، ص. ۲۰۷). هابرمن برای سنجش اعتبار روش پژوهش روایت، بر دسترسی، حقیقت‌نمایی، صداقت، آشنایی، سندیت، به‌صرفه بودن و انتقال‌پذیری تأکید می‌کند (وبستر و پاتریسی، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۵). در پژوهش حاضر، ضمن فراهم بودن دسترسی به داده‌ها، امکان دستیابی به داده‌ها نیز مهیا است که این امر نمایانگر شفافیت و صداقت تحقیق است. همچنین تلاش محققان، بازنمایی اطلاعات به دور از هرگونه سوگیری است و به قصد اعتماد بیشتر، پس از پایان پژوهش، نتایج در اختیار چهار نفر از مشارکت‌کنندگان قرار گرفت تا درصورت نیاز داده‌ها اصلاح شود و امکان تعمیم‌پذیری طبیعی مهیا شود که نتایج تأییدشده آن‌ها بود.

پس از پاسخ‌گویی مراجعان به سؤالات بیوگرافی، در مصاحبه از مشارکت‌کنندگان سؤالات تخصصی پرسیده شد؛ نظیر علت مراجعه شما برای دریافت مشاوره خانوادگی چه بود؟ چه موضوعی روند زندگی خانوادگی شما را تحت‌الشعاع قرار می‌داد؟ چه تکنیک‌هایی را در روند جلسات مشاوره خانواده آموزش دیده‌اید؟ یک نقطه مهم در داستان زندگی

خانوادگی شما چه بوده است؟ یک تجربه نادر که بدترین لحظه شما در زندگی مشترک بوده است، چیست؟ و تأثیر جلسات مشاوره خانواده بر روند زندگی مشترک شما چطور بوده است؟ همچنین برای حفظ محرمانگی در پژوهش حاضر، پس از بهره‌گیری از رضایت‌نامه آگاهانه مبتنی بر داوطلب بودن مشارکت‌کنندگان، از نام مستعار برای افراد استفاده شد و فایل‌های صوتی مصاحبه‌ها حذف شد.

صوت مصاحبه‌ها در مرحله اول، به صورت دقیق پیاده سازی شد. سپس بخش‌های مرتبط به پژوهش و سؤال اصلی آن، استخراج و کدگذاری شد. درنهایت به مضامین اصلی دسترسی پیدا شد و از این مضامین مشترک برای دستیابی به الگوهای ژانر بهره برده شد. واحد تحلیل در پژوهش حاضر، روایت به‌عنوان یک کل بود؛ بدین صورت که پژوهشگر روایت را به عنوان یک کل مطالعه کرد تا از آن برای معنا دادن به داستان و تخصیص ژانر استفاده کند (ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۰).

ژانرهای تخصیص‌داده‌شده به هر روایت نیز با کمک محتوا و مضمون بوده است. منظور از محتوا، فکر اصلی و مسلط در هر اثری است که معنای کل داستان و موضوع اساسی مدنظر مصاحبه‌شونده را مطرح می‌کند. زیرعامل‌هایی که مدنظر قرار گرفته شد، حاوی زیرعامل قهرمانی، زیرعامل عاشقانه، زیرعامل درام و زیرعامل رشادت بود. زیرعامل قهرمانی به خود فرد به‌عنوان قهرمان اساطیری زندگی خود اشاره دارد و ژانر قهرمانانه را می‌سازد. زیرعامل عاشقانه، ژانر رمانس را می‌سازد و راجع به موضوعات عشق، علاقه، تمجید معشوق، وصال و هجران است. زیرعامل سوم، درام مربوط به ژانر تراژدی است که از دست دادن عمر و جوانی و فرصت را مطرح می‌کند. زیرعامل چهارم، رشادت است که در ژانر حماسی به آن اشاره می‌شود و به ژانر قهرمانانه نزدیک است؛ با این تفاوت که آزمایش شده و به دلیل صفات والای اخلاقی پیروز میدان می‌شود (خراسانی و حیدری نوری، ۱۳۹۸).

٤. یافته‌های تحقیق

یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که سه نفر از ژانر تراژدی و دو نفـر از ژانـر قهرمانانـه بهـره بردند؛ یک نفر تجربه خود را در ژانر حماسی بیان کرد و بیشتر زنان مشـارکت‌کننده در ایـن پژوهش (یازده نفر)، تجربه خود از مراجعه به مرکز مشاوره را در ژانر رمانس روایت کردند. این موضوع بدین معنا است که زنان در زنـدگی مشـترک در جسـت‌وجوپیـویش قهرمانانـه درونی هستند و مراجعه به مشاوره را بخشی از آن قلمداد می‌کنند؛ چه ایـن حرکـت باعـث حل مسئله شود و چه نشود؛ بنابراین تجربـه زنـان دارای تعـارض زناشـویی از مراجعـه بـه مشاوره خانوادگی، تجربه‌ای حل مسئله‌محور است. این موضوع با فردگرایی و نسـبی‌گرایـی دنیای مدرن امروزه هم‌راستاست و نشان می‌دهد که حل مسائل توسط مراکز اجتماعی نـوین مثل مراکز مشاوره، جایگزین روش‌های ریش‌سـفیدی و کدخدامنشـی شـده اسـت کـه ایـن موضوع در تعیین ژانر هر روایت می‌تواند راهگشای مسیر باشد.

ژانر قهرمانانه بر خوداتکایی و فردیت تأکید می‌ورزد. ژانر حماسی بـر وقـوع پدیـده‌های قهرمانانه متکی است؛ مقوله‌های شخصیتی قهرمان‌ها که به بوته آزمون گذاشته شـده‌اند و در تمام آن‌ها قهرمان از آزمون موفق بیرون می‌آید. آنچه در بحران‌های زندگی موفقیت قهرمانانه محسوب می‌شود، صفات والای اخلاقی و انسانی است (یگانه و قوامی، ۱۳۹۷). ژانر رمـانس را می‌توان بر مبنای وجود یک قهرمان دانست که با خود در نزاع اسـت؛ در چالش‌هـا بـرای دستیابی به هدف تلاش می‌کند؛ سرانجام به پیروزی می‌رسد؛ جنبه‌های عاشقانه وجود دارد و مرکزیت روایت نیز پیرامون همین موضوع است. ژانر تراژیک، روایت غم انگیزی اسـت کـه بر شکست قهرمان استوار است و در انتها نیز طرد قهرمان از جامعه را در پی دارد.

٤. ١. ژانر رمانس

رمانس، ژانری خاص از داستان با عنصر محوری سـاختار اسـت. رمـانس در ابتـدا شـعر روایتی بود و بعد به‌تدریج به نثر گرایید و عمومیت بیشتری یافت. در اوایل قرون وسطی بـه

معنی زبان‌های محلی جدیدی بود که از زبان لاتین مشق می‌شد (ایران‌منش، ۱۳۹۱). رمانس همچنین به معنی کتاب‌هایی بود که از لاتین ترجمه شده یا به این زبان‌های محلی نوشته می‌شد. در قرن‌های نخستین میلادی، قصه‌های خیالی منظوم و منثور را که شرح حادثه‌ها و شخصیت‌های غیرعادی و عشق‌های احساساتی و پرشور بود، «رمانس» می‌نامیدند (مهدوی مرتضوی، ۱۳۹۷).

رمانس دارای نظام زیرژانرهای رمانس پایه امروزی همچون داستان رمانتیک زنان، رازهای رمانتیک، رمانس تاریخی، رمانس نیابت سلطنت و رمانس واقعیت دیگر مانند فانتزی و پهلوان‌نامه‌ها همچون رمانس چندفرهنگی است (فرو، ۲۰۰٦، ص. ٢٦). این ژانر دارای پایان عاطفی راضی‌کننده و خوش‌بینانه پس از فراز و نشیب‌های فراوان است و اوج آن به‌صورت مستقیم با مضمون اصلی که همان رابطه عاشقانه است، ارتباط دارد. برخی هم آن را عاشقانه زنانه می‌نامند که به داستان و رابطه احساساتی میان شخصیت‌ها می‌پردازد و عشق، موضوع اصلی این روایت رمانتیک است. قهرمان رمانس از لحاظ مرتبه، عالی و برتر است و نامیرا نیست (گرانت، ۱۳۹۱، ص. ۲۳).

شخصیت‌های رمانسی مظهر یکی از قشرهای اجتماعی یا نماد یکی از ارزش‌ها یا ضدارزش‌های جامعه و زمانه خاصی هستند که در آن زندگی می‌کنند یا بهانه‌ای برای موقعیت‌های مختلف، از طماعانه گرفته تا عاشقانه هستند. رمانس به قهرمان‌های اصیل زاده‌ای اختصاص می‌یابد که به ماجراهای عاشقانه اغراق‌آمیز دلبسته‌اند؛ در راه رسیدن به محبوب به اعمال جسورانه دست می‌زدند و با جادوگران و شخصیت‌های شریر می‌جنگیدند (مهدوی مرتضوی، ۱۳۹۷).

در ژانر رمانس، قهرمان به عشقی دچار می‌شود که معمولاً باید برای رسیدن به آن موانعی را پشت سر می‌گذارد. در این لحظات، شاهد غلیان احساس، آرزو، شکست، سرکوب، سرخوردگی و تمام درونیات متغیر هستیم. وی در این فراز و فرودها روند رشد شخصیت و احساسات را طی می‌کند و این احساس و عشق ممکن است محکم‌تر از قبل شود یا سست

شده و از بین برود (میترا: *«وابسته به او بودم و دوسش داشتم، ولی با کینه و قهر این دوستی رو خودش کم کرد. خودش با قهر کردن ایـن وابسـتگی رو کـم کـرد»*). در رمـانس، نحـوه شکل‌گیری این عشق، به هم رسیدن یا نرسیدن دو عاشق و گذر از سـختی‌ها و موانـع بیـان می‌شود (الهه: *«از بچگی حرفایی که نزدیم روی دلمون گذاشتیم و مثل یک عقده توی دلمون موند. سرش دعوا می‌کردیم. برا همین تصمیم گـرفتیم بیـاییم مشـاوره تـا بتـونیم گذشـته را بذاریم کنار؛ چون خیلی زجرمون می‌داد. بالاخره به این نتیجه رسیدیم بریم پـیش کسـی کـه حرفمون رو بشنوه و تأیید و رد کنه؛ البته صحبت‌های روان‌شناس اولش سـخت بـود، ولـی کم‌کم تونستم. ۹۰درصد از مشاوره راضی هستیم»*).

در این ژانر، شخصیت به طـور سـاده پرداخـت می‌شـود و خـوب یـا بـد اسـت. تغییـر شخصیت‌ها و حرکت از جبهه خوب به بد نیز به‌صورت آهسته و آشکار رخ می‌دهد (میتـرا: *«ما تا دو سال همدیگه رو می‌دیدم؛ می‌رفتیم بیرون یا اون می اومد یا من می‌رفتم. بعد از دو سال دوری می‌کرد. بحثمون می‌شد، قهر می‌کرد و می‌رفت»*). ژانر رمانس سرشار از اتفاقـاتی است که با برحسب تصادف رخ می‌دهند یا انگیـزه‌ای نه‌چنـدان پیچیـده دارنـد. قهرمـان در موقعیت‌های جدید ایجاد میشود، سنجش می‌شود و در پایان معمولاً فرجام خوشی در انتظار اوست؛ چراکه بعد از اتمام سختی‌ها به آرامش و لذت می‌رسد و علت آن در زنده نگه‌داشتن امید و اعتماد به عشق جست‌وجو می‌شود. فرجام این ژانر ممکن است دارای پایان باز باشد که ادامه آن وابسته به ذهن خلاق مخاطب می‌شود یا حتی پایان تلخی در برداشته باشـد کـه باعث ایجاد دیدگاهی متفاوت درمورد مفهوم عشق می‌شود. سرنوشت قهرمان ژانر رمانس به یکی از حالت‌های زیر خواهد بود:

- رسیدن به موفقیت و وصال: افسانه: «ایشون خیلی دوقطبی هستن، هر بـار یـه قطـبن. من خیلی کنار اومدم. می‌دونستم ولی باز کوتاه اومدم. بخشیدنه، نادیـده گرفتنـه، بـاز خواستم زندگی رو بسازم. گفت ببخشید و دیگه تکرار نمی‌شه و یه تعهداتی دادن که دیگه این کارها رو انجام ندن. منم برگشتم دوباره. من باز برگشتم».

- گذر کردن از عشق با وفاداری برای نیازاریدن معشوق: مایرا: «آدم بدی نبود. همسر من خیلی تنهاس و مشکلات داره. خیلی نگرانشم. همیشه فکر می‌کنم که چطوری از پسش برمیاد؟ نمی‌تونم چیز بدی براش بخوام. از ته دل میخوام که خوشحال باشه، خوشبخت باشه، تنها نباشه، مادرش و خونوادش کنارش باشن، من هیچ‌وقت خیالم راحت نیست و نگرانشم، نمی‌تونم کاری براش بکنم. خدا براش خوب بخواد و اتفاقای خوب براش بیفته؛ چون ایشون اینجا نیستن، من راضی نیستم بیاد این همه راه رو. این همه مسیر رو تنها بیاد».
- شکست و پناه بردن به عشق ثانوی: حدیثه: «من حمایت و بروز احساسات رو دوست داشتم، شوهرم بلد نبود و اونی که بلد بود رو دوست نداشت بروز بده و می‌گفت باید به رفتار باشه. خیلی با هم کلنجار رفتیم. من تصمیم گرفتم برای خودم یه کار شیرینی انجام بدم. تا اینکه یه جایی کار پیدا کردم. بعد از یه مدتی که رفتم، اونجا بودم، اما متأسفانه یه اتفاقایی افتاد. صاحب کارم به‌واسطه کار نزدیک و نزدیک‌تر شد به من و رفت تو فاز احساسی و اینا. منم که از قبل کمبود عواطف داشتم، حتی پذیرای شنیدن یه سری کلمات بودم. حالا اون آقا خیلی زرنگ بود یا خیلی تجربه داشت، تونست به من نزدیک بشه و با تکیه به همه آنچه من تشنه‌اش بودم، نزدیک شد».
- شکست و دوری از وادی عشق و عاشقی و انزواجویی: میترا: «الآن منتظر نیستم ازدواج کنم. الآن می‌خوام درس بخونم، الآن می‌خوام کار کنم. دلم می‌خواد خودم تلاش کنم تا به یه جایی برسم؛ چون آدمی نیستم که جدا شدم، منتظر باشم که یکی دیگه بیاد و من ازدواج کنم یا خوشبخت باشم. دلم می‌خواد خودم تلاش کنم تا به یه حدی از لحاظ مادی و استقلال برسم. مشاورم می‌گفت: خودتو از بقیه دور نکن حتی اگه اذیت می‌شی؛ البته یه موقع‌هایی نمی‌شه. الآن از تنها بودنم بهتر لذت می‌برم،

به‌خاطر شرایط خاص. الآن ناخودآگاه سعی می‌کنم فاصله بگیرم از همه. شب میام خونه، نیم ساعت بعد می‌رم تو اتاقم و ترجیح می‌دم تنها باشم».

آرمان قهرمان و ژانر رمانس را می‌توان مشابه ادبیات غنایی دانست که در آداب‌دانی، ثبات قدم، وفاداری، دلاوری و عشق کنکاش می‌شود (آزاده: *«توی این رفت‌وآمدها تمام طلاهای من رفت. می‌گفتم طوری نیست، بالاخره برمی‌گرده به زندگی»*)؛ به همین دلیل، قهرمان در تمام زمینه‌ها آموزش می‌بیند و مسئولیت‌پذیر می‌شود. این آموزش‌ها وی را برای مبارزه و آزمون آماده می‌کند و به‌عنوان تنها راه دوام زندگی شناخته می‌شود.

درحقیقت، قهرمان در راه عشق انواع سختی را تحمل می‌کند. او برای رسیدن به کمال و تغییر در وضعیت اجتماعی، دوره‌ای دشوار از آزمون‌ها را به‌تنهایی و به دور از اجتماع طی می‌کند و درحالی‌که وضعیتش متفاوت است، به جامعه برمی‌گردد (میترا: *«مشاورم می‌گفت: خودتو از بقیه دور نکن. حتی اگه اذیت می‌شی؛ البته یه موقع‌هایی نمی‌شه؛ چون الآن از تنها بودنم بهتر لذت می‌برم؛ البته بیرون می‌رم. تو خونه نیستم. شب میام خونه»*).

این ژانر به اهمیت ازدواج توجه دارد (مینا: ***«با تحقیقات معلوم شد اعتیاد داره و منم می‌دونستم، اما چون من خونه پدرم خیلی اذیت می‌شدم، وقتی دیدم خیلی منو می‌خواد و تلاش می‌کنه، گفتم قبول می‌کنم و ترکش می‌دم»***). این ژانر دارای عناصر آموزش، عشق، سفر، آزمون، پاداش و بازگشت است و تقابل نبرد و پیروزی و همچنین تقابل خواسته و دستیابی به آن را نشان می‌دهد. معمولاً رمانس با این سؤال شکل می‌گیرد: چرا من با همسر فعلی‌ام هستم؟ (الفت فصیح و همکاران، ۱۳۹۷)

مسئله مهم بعدی این است که این ژانر می‌تواند به‌مثابه رمان‌های عامه‌پسند، زیرمجموعه ژانرهای سازگارانه قرار بگیرد. در این ژانر بافت داستانی زنانگی به چشم می‌خورد که محوریت یک زن بااحساس به‌عنوان یک فاعل و کنش‌گر و نقش کلیدی زن در خانواده و جامعه را در بردارد. درواقع سرشار از رنگ و نمایه‌های زنانه است و به جزئیات می‌پردازد. در این ژانر، زنان، شخصیت اصلی روایت هستند و این روایت‌ها عمدتاً احساسی، درونی،

عاطفی، خانوادگی و زنانه محسوب می‌شوند. این ژانر همچنین همواره شرایطی رؤیایی پدید می‌آورد تا شخصیت داستان با بهره‌گیری از سرنوشت و اتفاقات فرای واقعیت سخت زمینی از مشکلات تحمل‌ناپذیر نجات یابد (میرفخرایی، ١٣٨٤).

این موضوع بر نقش مهم زن در خانواده تأکید دارد و زن را شخصیت اصلی داستان در نظر می‌گیرد که می‌تواند علاوه بر حل مسائل به شکل متافیزیکی، با توانایی خود، شخصاً به حل تضادهای اساسی بپردازد و چگونگی حل تعارضات را بیان می‌کند. در این ژانر، شاهد تأکید بر محوریت فرد هستیم که نقش زنان در خودسازی برای حل تضادهای اصلی است که به دست آنان اتفاق می‌افتد.

این داستان فردی است و به تضادهای درونی در طی داستان می‌پردازد که معمولاً دارای توازن است. توازن را بدین شکل تعبیر می‌کنیم که هم آغاز و هم پایان داستان مطلوب و رؤیایی بوده یا واقع‌گرایانه است یا فاجعه‌آمیز است، ولی به‌طورکلی، حاوی بافتی هماهنگ خواهد بود. گفتنی است که معمولاً داستان در جوامع مردسالار با فرهنگ جمع‌گرا شکل می‌گیرد که دارای نسبیت متفاوتی است، اما زنان در این جامعه همانند جوامع صنعتی به دنبال روابط اجتماعی و خانوادگی مناسب‌تر هستند؛ هرچند این تلاش جایگاه صوری به آنان اعطا کند.

از شاخصه‌های اصلی زنان مدرن، خواه در جوامع مردسالار و خواه در جوامع صنعتی، می‌توان گرایش به مدرنیته را نام برد. زنان مدرن برخلاف زنان سنتی، تساوی طلب، پیشرفت‌گرا و استقلال‌طلب هستند و در کنار ایفای نقش مادری-همسری، تمام وجود خود را صرف امور خانوادگی نمی‌کنند. این زنان برای خود، هویت مستقلی از خانواده قائل‌اند و در راستای نگرش آگاهانه خود به نابرابری‌های جامعه مردسالاری، به احراز مشاغل مختلف روی می‌آوردند تا به استقلال اقتصادی دست یابند. زنان مدرن، استقلال مادی را استقلال شخصیتی می‌دانند که نحوه گذران زندگی‌شان را از زنان سنتی متمایز می‌کند (عظیمی و صادقی، ١٤٠٠). مینا می‌گوید: *«من از ۱۸ سالگی کار کردم، توی کلینیک کار کردم، استقلال*

داشتم، همیشه خرج‌هایی که مربوط به خودمه مثل کفش و لباس و همه خودم تو زندگی که داشتم، به عهده خودم بود».

٤. ۲. ژانر قهرمانانه

الهام و مریم، روایتگران پانزدهم و شانزدهم پژوهش، روایت خـود را در ژانـر قهرمانانـه اظهار کردند. ژانر قهرمانانه بر پایه شخصیت قهرمان یا همان فـرد مثبـت اسـت کـه داسـتان زندگی را شکل می‌دهد. اخلاق‌مداری و خصوصیات شخصیتی الهام و مریم در طول زندگی، با وجود تعارضات زناشویی عمیق، نمایانگر خوداتکایی و پیروزی آنان است. آن‌هـا پـس از بروز چالش‌های زندگی زناشویی، از حضور مشاوران در زندگی خود بهره گرفته‌اند و سـعی بر مبارزه با مشکلات داشته‌اند. این مصاحبه‌شوندگان، بدون توجه به واکنش همسر، مشـاوره را ادامه داده‌اند و پیشنهادهای را در زندگی خود به کار گرفته‌اند. آنان آگاهی و بینش خود را در وهله اول افزایش داده‌اند و سپس شروع به تغییر خـود کـرده‌انـد، بـا دشـواری‌ها مواجـه شده‌اند، ایستادگی کرده‌اند و درنهایت، بر وضعیت بغرنج فائق آمده‌اند. تجربه این روایتگران از مشاوره، تجربه خیرخواهانه و مطلوب است.

٤. ۳. ژانر تراژدی

روایتگران ششم، دهم و یازدهم (محبوبه، فریبا و پرنیان) برای بازگو کردن روایـت خـود از ژانر تراژدی بهره بردند. شخصیت‌های تراژیک، مبنـای ژانـر تـراژدی را شـامل می‌شـوند؛ بنابراین محبوبه و فریبا و پرنیان، شخصیت‌های تراژیک قلمداد می‌شوند. ایـن روایتگـران از سوی نیروهای مافوق شکست‌خورده‌اند، تلاش آنان و مشاوران برای حفظ زندگی ثمـربخش نبوده و درنهایت منجر به طلاق شده است. درحقیقت این مصاحبه‌شوندگان طلاق را شکست از عوامل خارج از کنترل خود تلقـی می‌کننـد. همچنـین فرجـام ایـن شکسـت بـرای آنـان، طردشدن از سوی جامعه را به همراه داشته است.

این موضوع متمایز از تجربه خوشایند یا ناگوار آنان از مشـاوره اسـت. روایتگـر ششـم، محبوبه، با توجه به تصمیم اولیه برای طلاق و ازدواج به‌خاطر فرار از شـرایط خانـه پـدری،

روند مشاوره را کاملاً مطبوع قلمداد نمی‌کند. روایتگر یازدهم، پرنیان نیز به دلیل یاری نکردن همسر در روند مشاوره، با اطلاع بـه حـل تعارضـات، مشـاوره را تجربـه‌ای مطلـوب تلقـی نمی‌کند. یک موضوع مؤثر دیگر در برداشت محبوبه و پرنیان از مشاوره، زمـان اقـدام بـرای مراجعه و بغرنج شدن مشکلات است، اما فریبا مصاحبه‌شونده دهم با اینکه مجبور بـه طلـاق شده است، از روند مشاوره رضایت دارد و از اینکه مشاوره به‌صـورت مسـتمر را بـا تـأخیر شروع کرده است، احساس پشیمانی می‌کند.

٤. ٤. ژانر حماسی

ژانر روایت زهرا، روایتگر چهاردهم، حماسی اسـت. ژانـر حماسـی را می‌تـوان روایـت شجاعت‌ها و افتخارات فردی روایتگر قلمداد کرد؛ بدین صورت کـه یـک شخصـیت دارای توانمندی زیاد، در برابر نیروهای اهریمنی بایستد و به پیروزی دسـت یابـد. مصاحبه‌شـونده چهاردهم فرد توانمندی است که با اطلاع از اختلال روانی همسر و خانواده همسر، با وجـود اشتباهات گذشته خود و همسر، به کمک مشاور، در برابر عوامل آزاردهنده ایستادگی کرده و با صبوری و ازخودگذشتگی زندگی را استمرار بخشیده اسـت. او در دارودرمـانی همسـر و آگاهی از بیماری وی، در مشاوره پیش‌قدم شده، بارها مراجعه کرده و همسر را نیز بـه ادامـه روند مشاوره تشویق کرده است. بقای زندگی زناشویی با پشتیبانی مشاور بـرای او موفقیـت بزرگ تلقی می‌شود؛ بنابراین وی از مشاوره رضایت دارد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل روایت زنان دارای تعارض زناشویی از تجربه مراجعه به مشاوره خانوادگی در یک مرکز مشاوره در اصفهان بود. تحلیل تیپولوژیک برای استنباط ژانر هر روایت، با این هدف آغاز شد. سپس ارتباط نظام‌منـد آن در طـول روایـت بـا تعارضـات زناشویی کشف شد و ژانر هر روایت بازشناخته شد.

اغلب زنان مصاحبه‌شده در این پژوهش (۱۱ نفر)، برای بـازگو کـردن روایـت تجربیـات خود از مشاوره، ژانر رمانس را برگزیدند. عنصر حیاتی رمانس، ساختار است. ژانـر رمـانس یک نوع ارتباط عاشقانه نسبت به دیگری است. این ژانر معمولاً پـس از فـراز و نشـیب‌ها و تلاش‌های فراوان، با فرجامی نیکو به پایان می‌رسد. این فرجام خـوش در زنـدگی زناشـویی زنان، اغلب استمرار زندگی بود و گاهی نیز جدایی زوجین را شامل می‌شد و این جدایی بـه روایت زنان، نوعی سعادت محسوب می‌شد.

درحقیقت، مطلب مذکور نشان می‌دهد که زنان در زمان بروز تعارضات به مراجعـه نـزد مشاور اقدام کرده و با به‌کاربردن پیشنهادهای مشاوران تلاش می‌کنند که چالش‌ها را کـاهش دهند. آنان در روند بروز کشمکش‌ها با نهایت دلبستگی و علاقه به همسـر، تلـاش بـی‌وقفـه می‌کنند تا زندگی زناشویی خود را استمرار بخشند و همکاری بیشتری با مشاور دارند. آن‌ها در این مسیر گاهی شکست می‌خورند، ولی ناامید نمی‌شوند و همچنان اسـتقامت می‌ورزنـد. این مداومت به پشتیبانی مشاوره و میزان همکاری همسر، برخی مواقع به نتیجـه مطلـوب و دلخواه آن‌ها می‌رسد و گاهی زنان به‌اجبار یا اختیار، گزینه طلاق را برمی‌گزینند. در صـورت وقوع هرکدام از موارد مذکور، زنان معتقدند که تمام تلاش خود را کرده‌اند و سـرانجام ایـن کوشش‌ها را نیک و شایسته تلقی می‌کنند. درنهایت، زنان که در ژانر رمانس روایـت تجربـه خود از مشاوره را بازگو کرده‌اند، مشاوره فردی را مؤثرتر از زوج‌درمانی می‌دانند و اغلب، از مشاوره رضایت دارند؛ چراکه مشاوره باعث آرامش خاطر، افزایش تاب‌آوری و خودشناسـی آنان شده است. درحقیقت مراجع در روند مشاوره، به دلیل داشتن پشتوانه کـه فـرد را درک می‌کند، می‌تواند به بازسازی یا خاتمه زندگی خود با در نظر داشتن پیامدهای منحصـربه‌فرد هر تصمیم بپردازد.

بیان روایت مشارکت‌کنندگان در ژانر رمانس، نشان‌دهنده فرهنگ، شرایط زمانی، ظرفیـت روانی، احساسات و فضای ذهنی آنان نیز است. همچنین می‌توان به این تفسیر دسـت یافـت که با توجه به ظهور رویکرد پست‌مدرن و دیدگاه نسـبیت‌گرایـی در جهـان امـروزی، هـیچ

دیدگاه مثبت یا منفی به طلاق وجود ندارد. این امر موجب می‌شود که زنان نه‌فقط استمرار زندگی مشترک، بلکه پدیده طلاق را نیز به‌عنوان یک راه‌حل برای مسائل خود و به‌عنوان یک پایان مطلوب برای زندگی خود قلمداد کنند. این موضوع با فردگرایی دنیای پست‌مدرن امروز نیز در ارتباط است.

به طور خلاصه، اکثر افراد شرکت‌کننده در این پژوهش، روایت خود را در قالب ژانر رمانس بیان کردند. ژانر رمانس را می‌توان بر مبنای وجود یک قهرمان دانست که با خود در نزاع است، برای رسیدن به هدف خود در چالش‌ها تلاش می‌کند و سرانجام به پیروزی می‌رسد. در این پژوهش، داستان افرادی که ژانر رمانس را انتخاب کردند، این‌گونه روایت می‌شود: فرد زمانی که با مشکل در زندگی زناشویی یا نزاع با خود مواجه می‌شوند، به مشاور مراجعه می‌کند. مسئله را برای مشاور (ناظر بیرونی قضیه) به حالت مونولوگ و دیالوگ توضیح داده و کاتارسیس (تخلیه یا پالایش هیجانی) رخ می‌دهد.

فرد در روند مشاوره، ضمن فروکش کردن هیجانات خود و رسیدن به آرامش نسبی متوجه می‌شود که ماهیت مشکل چه بوده و مشکل او آنقدر بزرگ نیست که حل‌شدنی نباشد. این موضوع به او تسکین خاطر می‌بخشد، ترس وی را کم کرده و انگیزه او را به‌واسطه جادوی کلام زیاد می‌کند. درواقع به حل مسئله امیدوار می‌شوند (الهه: *«نقطه مثبت مشاوره‌ها، توانایی درک تفاوت‌هاست»*). افراد در این روند، به‌خاطر تسلی خاطری که پیدا کرده‌اند، خود را به‌مثابه یک قهرمان باشهامت و جسارت جست‌وجو می‌کنند، در پی یافتن راه‌حلی برای مشکل خود می‌گردند و به تغییرات بنیادین در زندگی خود تمایل دارند.

به نظر می‌رسد مراجعه افراد نزد مشاور، رسیدن به بینش و کسب آگاهی فرد را منجر می‌شود که اراده آغاز و قاطعیت در تغییر آنان را به همراه دارد. فرهنگ پذیرش مراجع در روند درمان نیز موضوعی مهم تلقی می‌شود که چنانچه خود فرد یا همسر وی دارای اختلال روانی باشد (افسانه: *«ایشون رو که مشاوره رفتیم و اختلالات روانیش مشخص شد که دارن: دوقطبی بودن شدید و اختلالات جنسی»*)، ابتدا به پذیرش آن دست می‌یابد و سپس به این

دستاورد می‌رسد که چگونه با وجود این مشکل می‌توان به زندگی خود دست یافت و با آن کنار آمد (میترا: *«مشاورم به من کمک کرد که صبورتر باشم. صبورتر شدم. اینکه تیپ شخصیتی ما چطور هست رو بهم گفتن و اینکه چه چیزایی قابل تغییر نیست رو هم بهمون گفتن یا باید کنار نیای و جدا بشی یا تا آخر عمر بدون این موضوع هست و باید کنار بیایی. این خیلی خوبه که آدم بدونه»).*

مراجع به دلیل یافتن یک پشتوانه که او را درک می‌کند، می‌تواند به بازسازی یا خاتمه زندگی زناشویی خود با در نظر داشتن پیامدهای منحصربه‌فرد هر تصمیم بپردازد (افسانه: *«معمولاً جلساتی که می اومدیم، این بود که با من کار کنن که من بتونم کارهاشو فراموش کنم. آخه من جلسه‌ها رو خودم می اومدم. خیلی کم ایشون می اومد»*) و ایفای نقش‌ها و تعاملات روزمره را برای افراد تسهیل کند (افسانه: *«مشاورم به من می‌گفت حالا سعی کن بیشتر به خودت برسی و بیشتر با من کار می‌کردن که حالا یه گذشته‌ای بوده و می‌خواد جبران کنه، تو سعی کن فراموش کنی. خیلی کارها براش می‌کردم، خودشم می‌دونه. از لحاظ ظاهری یا هر کاری که یک زن می تونه بکنه. هرچی که دوست داشت، براش آماده می‌کردم. من خیلی کنار اومدم. می‌دونستم ولی باز کوتاه اومدم. باز خواستم زندگیمو بسازم.*). بیان روایت‌ها در ژانر رمانس توسط مشارکت‌کنندگان می‌تواند نشان‌دهنده فرهنگ، شرایط زمانی، ظرفیت روانی، احساسات و فضای ذهنی آنان باشد که این موضوع به روند درمان کمک می‌کند.

نکته پایانی که به ذهن خطور می‌کند، این است که با توجه به رویکردهای نظری استفاده‌شده در این پژوهش یعنی مراجع‌محوری راجرز، واقعیت‌درمانی گلاسر، خانواده‌درمانی فمینیستی چسلر، روایت‌درمانی وایت و اپستین و ظهور رویکرد پست‌مدرن و دیدگاه نسبیت‌گرایی در جهان امروزی، در این پژوهش، زندگی مشترک زنانی که روایت خود را در ژانر رمانس بیان کرده‌اند، می‌تواند ادامه یابد یا به پایان برسد؛ یعنی دنیای مدرن، بدون دیدگاه مثبت یا منفی به طلاق است و این امر موجب می‌شود که زنان نه‌فقط استمرار

زندگی مشترک، بلکه پدیده طلاق را نیز به‌عنوان راه‌حل برای مسائل خود و به‌عنوان یک پایان مطلوب برای زندگی خود قلمداد کنند.

وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین، از یک سو، وجود حساسیت جنسیتی در انجام تحقیق کیفی و از دیگر سو، تجربه مشاوره از دیدگاه خود زنان دارای تعارض ادراک‌شده بود که این موضوع کمتر مدنظر بوده است. همچنین این پژوهش با فردگرایی دنیای پست‌مدرن در ارتباط بوده و با بخش نظری پژوهش هم‌راستاست؛ بدین صورت که رویکرد خانواده‌درمانی فمینیستی چسلر و روایت‌درمانی وایت و اپستین نیز دو دیدگاه پست‌مدرنی هستند و مشاور بدون قضاوت، به فهم تجربیات زنان از نقطه‌نظر خود آن‌ها می‌پردازد. دیدگاه مراجع‌محور راجرز نیز مراجع را یک انسان منطقی و سازنده دانسته و به او کمک می‌کند که برای خود تصمیم بگیرد، مسائل را فعالانه حل کند و درنهایت، مسئولیت تصمیم خود را بپذیرد. چنین رویکردهایی به زنان در جهت خوداتکایی یاری می‌رساند. در این پژوهش نیز نتایج نشان می‌دهد، زنان در روند مشاوره، خود را به‌عنوان قهرمان زندگی بازمی‌شناسند، به توانمندی‌های خود تکیه می‌کنند و سعی در حل تعارضات دارند؛ بنابراین یافته‌ها با بخش نظری هم‌پوشانی دارد.

کتابنامه

۱. ابوالمعالی الحسینی، خ. (۱۳۹۸). *پژوهش تحلیل روایتی در روان‌شناسی*. تهران: علم.

۲. احمدی، ا. (۱۳۹٦). *مقدمه‌ای بر مشاوره و روان‌درمانی*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۳. آزادیان، ع. (۱۳۹۳). *بررسی تحول بازنمایی جنگ در آثار سینمای دفاع مقدس با تأکید بر رسول قلی پور* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرنشده). دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.

٤. ایرانمنش، ز. (۱۳۹۱). *بررسی نثر غیر روایی عرفانی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرنشده). دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.

۵. برکت، م. (۱۳۹۱). *بازنمایی مفهوم توسعه فرهنگی در بازی‌های رایانه‌ای* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرنشده). دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.

٦. پین، م. (۲۰۰٦). *روایت‌درمانی جهت آشنایی متخصصان مشاوره و روان‌درمانی* (م. اسماعیلی نسب و ح. پناهی، مترجمان). تهران: رشد.

۷. تریسی، س. (۲۰۱۳). *روش‌های تحقیق کیفی* (ح. خنیفر و ش. طاهری منیری، مترجمان). تهران: مهربان نشر.

۸. ثبت احوال. (١٤٠٢). شمار رویدادهای حیاتی [اخبار]. بازیابی شده در تاریخ ۱ تیرماه ١٤٠٢، از https://www.sabteahval.ir/default.aspx?tabid=٤٧٥٦ .

۹. جعفری جلوه، م. (۱۳۹۳). *تبیین نقش سینما در فرایند توسعه فرهنگی کشور* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرنشده). دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.

۱۰. جهانی دولت آباد، ا. (۱۳۹٦). تبیین نظری تعارضات زناشویی با رویکرد پارادایمی. *خانواده پژوهی، ۱۳*(٤۹)، ۱۰۹-۱۳۰.

۱۱. جین، ه.، و بوکر، ج. (۱۹۳۵). *زن در ادیان بزرگ جهان* (ع. غفاری، مترجم). تهران: امیرکبیر.

۱۲. حسینی بیرجندی، م. (۱۳۹۵). *نظریه‌ها و فنون خانواده‌درمانی*. تهران: رشد.

۱۳. خاکسار، ز.، و فاتحی زاده، م. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش واقعیت درمانی بر صمیمیت زناشویی در زنان دارای تعارض زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره اصفهان. *کنفرانس بین المللی*

روان‌شناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، شیراز، پژوهش شرکت ایده بازار صنعت سبز.

۱٤. خراسانی، ص.، و حیدری نوری، ر. (۱۳۹۸). بررسی عوامل تأثیرگذار در تعیین نوع ادبی (ژانر). *سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، *۱۲*(۳)، ۱۲۹-۱۵۲.

۱۵. خنیفر، ح.، و مسلمی، ن. (۱۳۹۸). *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی (رویکردی نو و کاربردی)*. تهران: نگاه دانش.

۱٦. دارنجانی شیرازی، ف.، سهرابی، ن.، و چین آوه، م. (۱۳۹۹). مقایسه گونه شناسی خانواده در مدل فرایند و محتوا در خانواده‌های با تاب آوری بالا و پایین. *روانشناسی اجتماعی*، *١٤*(۵۸)، ۲٦۲ — ۲۵۱.

۱۷. رسولی، آ. (۱۳۹۵). تدوین مدل بومی کارکرد خانواده بر اساس مؤلفه‌های امید، صمیمیت و تعارض‌های زناشویی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه. *زن و جامعه*، *۷* (۳)، ٦۰-۳۹.

۱۸. رضایی بحرآباد، ح.، مجدی، ع.، صدر نبوی، ر.، و بهروان، ح. (۱۳۹۸). فرایند تغییرات فرهنگی ایرانیان (تحلیل روایت تغییرات در چند دهه اخیر). *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، *۱۵* (۵۷)، ۵۰-۱۱.

۱۹. زرگر، ف.، و نشاط دوست، ح. (۱۳۸٦). بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان. *خانواده پژوهی*، ۳(۳)، ۷۳۷-۷٤۹.

۲۰. زهراکار، ک.، و جعفری، ف. (۱۳۹۹). *مشاورهٔ خانواده: مفاهیم، تاریخچه، فرایند و نظریه‌ها*. تهران: ارسباران.

۲۱. سعید آبادی، ز. (۱۳۹۳). *تحلیل انتقادی گفتمان سینمای مستند محیط زیست غرب در دهه اول هزاره سوم* (رساله دکتری). دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.

۲۲. شفیع آبادی، ع. (۱۳۸۹). *مقدمات راهنمایی و مشاوره (مفاهیم و کاربردها)*. تهران: رشد.

۲۳. شفیع آبادی، ع.، و ناصری، غ. (۱۳۹٦). *نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی*. تهران: دانشگاهی.

۲٤. صدیق، ع. (۱۳۵۱). *تاریخ فرهنگ اروپا*. تهران: دهخدا.

۲۵. صفایی راد، س.، و وارسته فر، ا. (۱۳۹۲). رابطه بین تعارض‌های زناشویی با طلاق عـاطفی زنـان مراجعه کننده به دادگاه‌های شرق تهران سال ۱۳۹۰. *پژوهش اجتماعی*، ٦ (۲۰)، ۸۵–۱۰٦.

۲٦. عبدالملکی، م.، و آزاده منصوره، ا. (۱۳۹۳). بررسی کیفی روابط فرا زناشویی. *مطالعات راهبـردی ورزش و جوانان*، *۱۳* (۲٤)، ۲۰–۱.

۲۷. عطاری، ی.، بشلیده، ک.، یوسفی، ن.، و نبوی حصار، ج. (۱۳۸۵). بررسی اثر بخشی دو رویکـرد مشاوره‌ای و رواندرمانی در کاهش نشانگان افسـردگی، اضـطراب و پرخاشـگری در میـان زنـان متقاضی طلاق مراجعه کننده به مرکز مشاوره خانواده شهرستان سـق. *پژوهش‌هـای روان شناسـی بالینی و مشاوره*، *۷* (۲)، ۸۵–٦۳.

۲۸. عظیمی، ز.، و صادقی، ا. (۱٤۰۰). بررسی مؤلفه‌های اصلی مشترک ترسیم شده از شخصیت زنان سنتی و مدرن در آثار زویا پیرزاد و فرخنده آقایی. *متن پژوهی ادبی*، *۲۵* (۸۸)، ۱۹۱–۱۷۰.

۲۹. علی احمدی، ا. (۱۳۹۷). گونه شناسی خانواده‌های تهرانی از منظر خطرپذیری طلـاق. *مطالعـات اجتماعی ایران*، *۱۱* (۳)، ٥٤ — ۳۳.

۳۰. غفاری، د.، و صیدی، م. (۱٤۰۰). کندوکاوی در تجربه زیسـته زنـان شـهر کرمانشـاه از بی‌ثبـاتی زندگی زناشویی. *توسعه اجتماعی*، *۱٦* (۲)، ۱۱۸–۹۳.

۳۱. فاتحی دهاقانی، ا.، و نظری، ع. (۱۳۹۰). تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان. *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۲ (۲۵)، ۱۳–٥٤.

۳۲. الفت فصیح، س، احمدی، ع، و مالمیر، ت. (۱۳۹۷). بررسی ساختاری رمانس فارسی. *فنون ادبی*، *۱۰* (٤)، ۸۸–۷۷.

۳۳. فرو، ج. (۲۰۰٦)، *ژانر* (ل. میرصفیان، مترجم). اصفهان: کنکاش.

۳٤. فروتن، ی. (۱۳۹۹). کلیشه‌های جنسیتی در ایران بر پایهٔ رویکرد اجتمـاعی و جمعیـت‌شـناختی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، *۳۱* (۳)، ۱۲۰–۹۷.

۳٥. کنعانی، م.، و علیجانی، م. (۱٤۰۰). روابط فرا زناشویی و بسترهای آن: مطالعهای کیفـی در شـهر رشت. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، *۸* (۱۸)، ۲۹٦–۲۷۳.

۳٦. گرانت، ب. (۲۰۰۷). *ژانرهای سینمایی: از شمایل شناسی تـا ایـدئولوژی* (ش. مقـانلو، متـرجم). تهران: بیدگل.

۳۷. گلاسر، و. (۱۹٦٥). *تئوری انتخاب: درآمدی بر روان‌شناسی امید* (ع. صاحبی، مترجم). تهران: سایه سخن.

۳۸. مرادی، ز.، و صادقی، م. (۱۳۹۸). اثربخشی خانواده‌درمانی شناختی-رفتاری بر کنترل خشم و کاهش تعارض زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره کلانتری: مطالعه تک آزمودنی. *روان‌شناسی نظامی، ۱۰* (٤۰)، ۸۲-٦۷.

۳۹. مهدوی مرتضوی، ف. (۱۳۹۷). جلوه اساطیر در دوبیتی‌های فایز دشتی. *رخسار زبان*، ۲ (٥)، ٥۰-۲۸.

٤۰. میرفخرایی، ت. (۱۳۸٤). رمان‌های عامه‌پسند ایرانی: سازگاری زن. *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱ (٤)، ۲۲۱-۱۹۷.

٤۱. میگنا. (۱۳۹۷). *تاریخ روان‌شناسی در ایران* [اخبار]. بازیابی شده در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۹۷، از https://www.migna.ir/news/٤٦۷۰۱/

٤۲. ناس، ج. (۱۹٦۹). *تاریخ ادیان* (ع. حکمت. مترجم). تهران: ابن‌سینا.

٤۳. وبستر، ل.، و مراتو، پ. (۲۰۰۷). *کاربرد پژوهش روایت به‌مثابه روش تحقیق کیفی* (ا. آقابابایی و د. زهرانی، مترجمان). اصفهان: جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان.

٤٤. وطن دوست، ع.، و حسین زاده، م. (۱۳۹۸). اثر بخشی مشاوره در سازش یا عدم سازش زوجین مراجعه کننده به مراکز طلاق در استان مازندران ۱۳۹۷. *پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش در روانشناسی*. تهران، سازمان بین المللی مطالعات دانشگاهی تاریخ.

٤٥. یگانه، س.، و قوامی، ه. (۱۳۹۷). ریخت شناسی حکایت‌های گلستان سعدی. *نقد ادبی و بلاغت*، ۷ (۲)، ۲٥٤-۲٤۳.

46. Altman, R. (1987). *The American film musical*. Bloomington: Indian university Press.

47. Franzosi, R. (2010). *Quantitative narrative analysis*. London: Sage publications.

48. Lambert, N. M., & Dollahite, D.C. (2006). How Religiosity Helps CouplesPrevent، Resolve، and Overcome Marital Conflict. *Family Relations*, *55*, 439–449.

49. Lieblich, A., Tuval-Mashiach, R., Zilber, T. (1998). *Narrative Research: Reading, Analysis, and Interpretation*. London: Sage Publications.
50. Markman. H.J., Renick, M.J., Floyd. F. J., Stanley, S, M., & Clements, M. (1993). Preventing marital distress through communication and conflict management training: A 4- and 5-year follow-up. *Consulting and Clinical psychology, 61* (1), 75-87.
51. Marsall، M. (2009). *Life with meaning: Guide of fundamental principles of vikter*. E frankls loge therapy maritiae Institue of logotherapy. Canada.
52. Polkiinghorme. D.E. (1988). *Narrative knowing and the human sciences*. NewYork, London, Thoysand Oaks and New Dehli: Sage Publication.
53. Wisyaningrum, S., Epifani, I., & Ediati, A. (2020). *Surviving marital relationship during the COVID-19 pandomic: A systematic review on marital conflict.* (pp. 103-108). Advances in social science، Education & Humanties Research.